

پلاتفرم مرحله گذر از رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی

مقدمه

بدون شک دموکراسی و برابری، آزادی و حق تعیین سرنوشت هر شهروند و ملتی با هر فرهنگ و زبان، و پیشینه تاریخی بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر و تمامی اسناد الحاقی آن محور اساسی این پلاتفرم میباشد. این پلاتفرم بر اساس کلیه اسناد صادره از سازمان ملل و کمیته های مختلف آن که بر حقوق شهروندی، حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم و استعمار بنا نهاده شده اند، استوار است.

این سند برای اولین بار بعد از جنگ جهانی اول توسط ولسون رئیس جمهور کشور امریکا مطرح شد و بعدها بعنوان یکی از اساسی ترین پایه های اسناد سازمان ملل برای تضمین از ادای افراد و ملتها و تساوی حقوق بین تمامی افراد و ملل، قرار گرفت و بسیاری از نزاعات بین المللی میان ملل و کشورهای استعمارگر با ارجاع به همین اصول و اسناد حل و فصل شدند. از لحاظ تاریخی میتوان به اعلامیه جهانی سازمان ملل و همچنین اعلامیه جهانی پایان بخشیدن به استعمار در سالهای ۱۹۵۲، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۲ و اسناد صادره از مجمع عمومی سازمان ملل در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۲ - ۱۹۷۳ و همچنین ماده ۱ و ۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل در نشست ۱۱ سال ۱۹۸۴ استناد کرد که همه بر اساس حق تعیین سرنوشت ملل برای پایان دادن به استعمار و ستم ملل به منظور ایجاد برابری و مساوات بین تمامی انسانها بنا نهاده شده اند. اصل بر احترام به انسانیت انسان و حق انتخاب آن و رد هرگونه خشونت و تبعض و اپارتاید است که در نهایت به برابری دموکراسی و زندگی بهتر می انجامد.

۱- ایران جغرافیای کثیر المله است. با تشکیل دولت متمرکز در سال ۱۹۲۵، ملت های غیر فارس نه تنها سهمی از حاکمیت و قدرت سیاسی در اختیار نداشته اند، بلکه تحت انقیاد ملی قرار گرفته، از نظر فرهنگی مورد اسمیلاسیون، از نظر نظامی اشغال و از نظر اقتصادی تحت استعمار قرار گرفته اند. این ملتها طی یک سده گذشته در هر دو نظام پادشاهی و جمهوری اسلامی برای حق تعیین سرنوشت سیاسی خویش به مثابه حقی طبیعی، قانونی و دموکراتیک مبارزه کرده اند.

۲- همه ملت های این جغرافیا برای پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی، در یک جبهه همسو قرار گرفته اند. بنابراین و با در نظر گرفتن واقعیت بند ۱، قیام فعلی و امر سرنوختی جمهوری اسلامی نمیتواند توسط شخص، گروه، حزب، یا ملتی خاص رهبری شود، بلکه اتحاد و اشتراک مساعی تمامی ملتها را می طلبد.

۳- کنگره های منتخب از نمایندگان ملل در جغرافیای ایران به صورت تساوی الحقوق، امر پیشبرد و وظایف مشترک و سازماندهی قیام و رایزنی با جامعه جهانی و کسب حمایت های بین المللی برای پایان دادن به جمهوری اسلامی را سازمان میدهد. این کنگره برای انجام وظایف خود شورایی دوره ای را انتخاب میکند. ترکیب شورا نماد ملت های موجود در ایران: بلوچ، ترک، کورد، عرب، فارس و ترکمن، . . . خواهد بود.

۳.۱- شورای رهبری اختیار گزینش سخنگوی شورا و نیز تعیین مسئولیت و وظایف آن را برعهده دارد

۳.۲- نمایندگان ملل توسط سازمانها و احزاب سیاسی و از میان آنها انتخاب شده و به کنگره اعزام میشوند.

۴- شورای رهبری پرچمی برای جنبش آزادیخواهانه علیه جمهوری اسلامی تعیین میکند و همزمان پرچم های ملل تحت ستم عضو در شورای رهبری در کنار آن خواهد بود.

۵- تصمیمات شورای رهبری به صورت توافقی اتخاذ میگردد. هیچ تصمیمی در شورا نباید با حق تعیین سرنوشت ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر مغایرت داشته باشد.

۶- شورای رهبری، یک حکومت انتقالی را ایجاد خواهد کرد که غیر متمرکز، سکولار و دموکراتیک بوده که بر اساس استانداردهای بین المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر بتواند یک انتخابات دموکراتیک با نظارت ناظران بین المللی را برگزار کند. دولت موقت باید این مأموریت را در طی یک سال انجام دهد.

۷- شورای رهبری دولت موقت و یا دولت های ملی ملل رهایی-یافته با تکیه به اصل برابری زن و مرد برای جبران ستم مضاعفی که بر زنان در صد ساله گذشته در جامعه مرد سالار و مذهب سالار رفته به زنان امتیازات ویژه ای میدهند تا زنان حق پایمال شده را در جامعه مدرن کسب کنند.

۸- شورای رهبری دولت موقت که باز مرکب از نمایندگان ملل است، موظف به ایجاد زمینه و تامین امکانات برای برگزاری فراندوم ملتها در ایران برای تعیین سرنوشت سیاسی شان است. در اعمال فراندوم برای حق تعیین سرنوشت، هر ملتی از این حق برخوردار است که از میان گزینه های استقلال یا کنفدرالیسم سرنوشت خود را رقم بزند.

مراحل فرنداندم

مرحله 1- در یک رفراندوم، از هر ملت پرسیده خواهد شد که آیا می‌خواهند از ایران مستقل شوند یا خیر؟ ملتهایی که اکثریت مردم آنان به استقلال رای دهند، بعنوان کشورهایی با حاکمیت مستقل برسمیت شناخته خواهند شد.

مرحله 2- در مناطقی که اکثریت مردم به استقلال رای ندهند، یک رفراندوم دوم برگزار خواهد شد. در آن رفراندوم مردم از بین یک سیستم فدرال یا یک سیستم کنفدرال، نظام سیاسی شان را درچارچوب ایران انتخاب خواهند کرد.

۹- همه پرسى برای حق تعیین سرنوشت بر اساس موقعیت ملی - جغرافیایی مردمان مناطق زیر نظر ناظران بین المللی صورت خواهد گرفت. نتیجه همه پرسى، بایستی بدون هیچگونه تاخیر یا قید و شرط، عملی شود. اگر فارس ها مانع برگزاری رفراندوم دموکراتیک شوند، ملل غیر فارس حق خود را محفوظ خواهند داشت که بصورت یکجانبه استقلال شان را از ایران اعلام کنند.

۱۰- در طول این مدت، دولت موقت تشکیل شده از شورای رهبری که منتخب نمایندگان ملل است تنها مرکز تصمیم گیری بوده و تا بر سرکار آمدن دولت منتخب به قوت خود باقی خواهد ماند.

۱۱- سازمانها و احزاب ملل برای تامین امنیت و صلح با تبعیت از شورای رهبری در جغرافیای ملی خود با تشکیل دولت موقت و تشکیل پلیس و ارتش ملی خود برای امنیت ملی شان و در هماهنگی با دیگر ملل، امنیت عمومی را تامین کرده مانع از هرج و مرج خواهند شد.

۱۲- حکومت ملی هر منطقه جغرافیایی موظف است که امنیت؛ آزادی و مایحتاج اولیه زندگی را تامین نماید.

۱۳- دولت موقت ملی منسوب به ملل تحت ستم موظف است در مدت ۹ تا ۱۲ ماه شرایط لازم برای انتخابات داخلی خود را تامین و با اجرای انتخابات دموکراتیک زیر نظارت بین المللی مجلس ملی را انتخاب و با تشکیل حکومت قانونی، قدرت را به حکومت انتخابی منتقل کند.

۱۴- دولت ملی موقت از طریق نماینده خود در شورای رهبری با شورا برای اداره امور داخلی هماهنگی خواهد کرد.

۱۵- در طی صد سال گذشته دولت اشغالگر ایران برای اعمال حاکمیت اش به ملل غیر فارس، جغرافیای ملل را تغییر داده و همچنین ترکیب ملی را از طریق کوچاندن و اسکان اجباری در بعضی مناطق به هم زده است. دولتهای محلی موظف و متعهد هستند تا این مشکل را از طریق علمی، تاریخی و از طریق مذاکرات مسالمت آمیز و بدون توسل به هر گونه خشونت بین طرفین حل و فصل نمایند. اگر در زمان مقتضی، کمیسیون حل اختلافات نتواند موضوع را فیصله دهد، مدعیان لازم است تا یک پیمان عدم تجاوز را امضا کنند. آنگاه اداره آن منطقه، با رضایت طرفهای مدعی به یک یا چند ارگان غیرجانبدار محول خواهد شد. ارگانهای غیرجانبدار، بر اساس داورى دادگاه بین المللی یا تریبونلهای حل اختلافات، اداره آن مناطق را به قلمرو یا قلمروهایی که دادگاه یا تریبونلهای تصمیم بگیرند، محول خواهند کرد.

۱۶- شورا و دولت انتقالی یک کمیسیون حل اختلافات را ایجاد خواهند نمود تا اختلافات مرزی بین مناطق جغرافیایی را بر اساس قوانین بین المللی حل و فصل کنند.

۱۷- دولتهای ملی در مرحله اول در جغرافیای ملی شناخته شده فعلی برگزار می شود و مناطق دستکاری شده و تغییر یافته و مورد بحث تا تعیین حد و مرزهای ملی در ترکیب منطقه شناخته شده فعلی با شرکت نمایندگان از طرفین و تقسیم قدرت اداره خواهند شد.

۱۸- دولتهای ملی بدور از تعلق ملی و اتنیکی موظف به تامین امنیت و حفظ حقوق شهروندی اقلیتهای اسکان داده شده و یا اسکان یافته در سرزمینهای تحت اداره شان بوده و حقوق آنان را طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر رعایت خواهند کرد.

۱۹- در مدت گذار و بعد از آن تمامی معاهدات بین المللی که براساس موازین بین المللی بسته شده است قابل اجرا بوده و دولت یا دولتها موظف به اجرای آن میباشند.

۲۰- نمایندگان دولتهای موقت ملی با ارسال نمایندگان خود به کشورهای همجوار مانع از هر نوع تنش شده و به عادی سازی روابط تلاش خواهند کرد.

۲۱- اموال و دارائی و ذخایر دولت پیشین بر اساس آمار، بین دولتهای ملی محلی تقسیم شده و بودجه زیر بنائی این دولتها را تشکیل میدهند. برای مثال اگر دارایی دولت معادل ۱۰۰ میلیارد و نفوس کلی نیز ۱۰۰ میلیون باشد سهم هر نفر ۱۰۰۰ دلار میباشد، اگر دولتی ۱۰ میلیون جمعیت داشته باشد سهم آن دولت از بودجه مرکزی ۱۰ میلیارد دلار خواهد بود. این مبلغ با تناسب بودجه و نفوس دولت محاسبه میشود.

۲۲- زبان رسمی دولتهای ملی، زبان آن ملت بوده و زبان رایج در رادیو، تلویزیون، مطبوعات، آموزش و تمامی مکاتبات اداری در مناطق ملی به زبان مادری آن ملت خواهد بود.

۲۳- زبان ارتباط بین اعضای شورای رهبری دولت موقت و ارتباط و هماهنگی با حکومتها ملی مناطق غیر فارس بطور موقت زبان فارسی بوده، و اگر به فدرالیسم و یا کنفدرالیسم بین ملتها در یک همهپرسی آزاد رای داده شد درمورد زبان یا زبانهای ارتباطی بین ملل تاسیس کننده دولت غیر متمرکز جدید این نمایندگان ملتها هستند که زبان یا زبانهای را با توافق همدیگر بعنوان زبان رسمی دولت انتخاب خواهند کرد.

۲۴- اگر در فرآیند رای به سیستم اداری به صورت کنفدرالیسم، فدرالیسم یا هر نوع حکومت مشارکتی به دولت متحد داده شود، اختیارات این دولت در امور دفاع؛ امور خارجه و امور دارایی باید با توافق مستقیم حکومتهای محلی اداره شود.

۲۵- تولید سلاح اتمی بدون قید و شرط متوقف خواهد شد.

۲۶- سپاه، ارتش و اطلاعات منحل خواهند شد

۲۷- اقدامات لازم در تامین امنیت انرژی جهان انجام خواهند گرفت.

۲۸- به مداخلات در امور کشورهای همجوار پایان داده خواهد شد

۲۹- راههای قانونی و رسمی برای تجارت آزاد جهانی بازگشایی خواهد شد.

۳۰- ایجاد دادگاههای ذیصلاح زیر نظارت بین الملل برای محاکمه کسانی که به جنایات جنگی و نقض فاحش حقوق بشر در هر دو رژیمهای پادشاهی و جمهوری اسلامی متهم اند، رسیدگی خواهد شد.

۳۱- مردمانی که توسط دولتهای ایران برای تغییر بافت جمعیتی در مناطق دیگر سکونت داده شده اند، در فرآیند استقلال واجد شرایط رای دادن در واحدهای تازه سازمانیافته ملی نیستند.

۳۲- شورا و دولت انتقالی، تمامی حقوق بنیادین، همانند آزادی اندیشه و بیان، آزادی رسانه ها، اجتماعات و انجمن ها را برسمیت شناخته و آن را به مرحله اجرا خواهند گذاشت.

۳۳- شورا و دولت انتقالی به تمامی رسانه های ملی و بین المللی، آژانسهای کمک رسانی و سازمانهای حقوق بشری بصورت کامل اجازه فعالیت خواهند داد.

احزاب و سازمانهای امضاء کننده:

۱. اتحاد ملی دمکراتیک ترکمنستان جنوبی

۲. اتحادیه دمکراتیک ترک آذربایجان جنوبی

۳. بلوچستان راجی زرمبش

۴. جبهه دمکراتیک احواز

۵. جبهه دمکراتیک مردمی احواز

۶. جبهه عربی آزادیبخش احواز

۷. جنبش آزادیبخش بلوچستان FBM

۸. جنبش آزادیبخش ۱۵ نپسان برای آزادی احواز

۹. حزب آزادی کردستان (PAK)

۱۰. حزب استقلال آذربایجان جنوبی

۱۱. حزب لیبرال دمکرات آذربایجان جنوبی

۱۲.